

برگردان : بایز افروزی



آمریکای آزاد، همچنان مشغول آزادسازی عراق است!

از ابو غریب تا بوکا

زندان بوکا ، که برخی از منابع اطلاع رسانی از آن با عنوان گوانتانامویی دیگر نام می‌برند، در ام القصر (۶۰ کیلومتری غرب بصره) ساخته شده است .

این زندان که منابع رسمی از آن با عنوان کمپ بوکا (Camp Bucca) نام می‌برند. از ۳۲ بخش تشکیل شده که هر بخش شامل چهار بلوک و چندین کابین (قفس) است و در هر بلوک بیش از ۱۰۰۰ زندانی نگهداری می‌شوند .

بوکا نام خود را از نام یکی از ماموران آتش نشانی آمریکایی گرفته که در جریان حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ جان خود را از دست داد .

اداره این زندان از بدو تاسیس تا سال ۲۰۰۷ از طرف سازمان سیا و مرکز اطلاعات نظامی ارتش آمریکا انجام می‌گرفت. اما بواسطه اختلافات این دو نهاد در خصوص چگونگی اداره آن ، به ارتش سپرده شد .

زندانیان بوکا چه کسانی هستند؟

تقریباً همه‌ی گزارشاتی که از طرف مراکز گوناگون اطلاع رسانی درباره زندان‌های عراق، از جمله زندان بوکا منتشر شده‌اند در این نکته اتفاق نظر دارند که بیش از ۸۰ درصد زندانیان عراقی اهل تسنن، ۱۶ درصد شیعه و ۴ درصد بقیه غیر عراقی هستند.

این درصدها تحلیل‌ها و اظهار نظرهای متفاوتی را دامن زده است، تحلیل‌گران اهل تسنن و طرفداران این مذهب بر این باورند که در عراق توطئه برنامه ریزی شده‌ای برای امحاء و یا تضعیف پیروان این مذهب در دست انجام است.

طرف مقابل نیز، بر این نکته تاکید می‌ورزند که بیشتر تدروی‌ها و اعمال تروریستی از جانب سنی‌ها صورت می‌گیرد و به همین دلیل اکثریت زندانیان عراقی سنی مذهب می‌باشند.

عده‌ای از کردها نیز در بوکا زندانی هستند که در میان آن‌ها رهبران (تکفیری‌ها) از شهرت و اعتبار زیادی برخوردارند.

برخی از منابع مطلع شمار زندانیان غیر عراقی کمپ بوکا را تا ۳۰۰ نفر تخمین می‌زنند که تقریباً همگی عرب زبان می‌باشند.

همچنین تعداد ۶۲۰ زندانی زیر ۱۸ سال در این زندان نگهداری می‌شوند که یک کودک ۱۰ ساله نیز در میان آنان به چشم می‌خورد. این کودک به اتهام سنگ‌پرانی به یک ماشین آمریکایی به زندان افتاده است.

نزدیک به ۲۰۰ جوان ۱۹ ساله نیز در بوکا زندانی هستند و روزانه به طور متوسط تا ۳۰ نفر با اتهامات مختلف به بوکا آورده می‌شوند.

هر ۶ ماه یکبار نتیجه بازجویی‌ها و پرونده زندانیان به دادگاه فرستاده می‌شود که از این پرونده‌ها تنها ۱۰ درصدشان به دادگاه‌های عراقی ارجاع داده می‌شود (بقیه در دادگاه‌های نظامی ارتش آمریکا مورد رسیدگی قرار می‌گیرند).

مدت بازداشت افراد در این زندان، غالباً از ۳۳۰ روز کمتر نیست.

علاوه بر تروریست‌ها و جنگجویان (مخالف اشغال عراق) تعدادی از متهمان دیگر نیز به این زندان انتقال داده می‌شوند. از جمله می‌توان به یک روزنامه‌نگار کرد ساکن شهر موصل به نام (عبدالمیر یونس حسین – متولد ۱۹۷۹) اشاره نمود که برای شبکه تلوزیونی (CBSNews) کار می‌کرد و به زندان بوکا انتقال داده شد. شماره زندانی وی (۱۷۲۰۳۳۹۱) بود.

همچنین تعدادی از خبرنگاران ایرانی (IRIB) بیش از چهار ماه در بوکا بازداشت بودند.

یکی از آنان پس از آزادی از بوکا اظهار داشت :

در مدت چهار ماه بازداشتمان در بوکا، حدود ۳۰ کیلو از وزنمان را از دست دادیم. بعد از آزاد شدنمان هم هیچ‌کدام از وسایلمان را به ما بازنگرداندند و حتی علت بازداشت را نیز به ما نگفتند.

این خبرنگار ایرانی همچنین گفت: در مواقعی که کسی ناپدید می‌شد. (فرار می‌کرد یا به قتل می‌رسید) همه‌ی زندانیان بوکا را وادار می‌کردند که به صورت کاملاً برهنه در میدان مرکزی زندان و در مقابل نورا فکن‌ها، تا صبح سرپا بایستند.

در داخل زندان بوکا کی حکومت می‌کند؟

تا آن لحظه‌ای که (محمد عامر جبوری) اهل کرکوک در برنامه (صناعه الموت) شبکه تلویزیونی العربیه ظاهر نشده بود، مردم از وقایع وحشتناک داخل این زندان هیچ اطلاعی نداشتند .

جبوری علاوه بر بریده شدن هر دو دست و پا و تکه‌ای از زبانش، چشم‌هایش نیز از کاسه بیرون آورده شده بود. این قربانی زندان بوکا اظهار داشت: «در میدان مرکزی بوکا، در روز روشن مورد هجوم قرار گرفتم و به این روزم انداختند، هنگامی که نگهبانان آمریکایی رسیدند کار از کار گذشته بود» .

به منظور پیگیری این فاجعه مراکز اطلاعاتی با شتاب شروع به تحقیق کردند. مهمترین پرسشی که از مسئولین زندان می‌شد این بود که کی و چرا؟

برای پاسخ به این پرسش، در شهر سلیمانیه با یکی از زندانیان سابق بوکا دیداری دو ساعته انجام دادیم.

این زندانی اظهار داشت: من در یکی از مساجد بغداد که متعلق به اهل تسنن بود بازداشت شدم. مسجد مذکور از طرف (جلال الدین صغیر) پارلمان‌تار شیعه و نفر سوم حزب الدعوه، دچار مشکل شد و می‌خواست مسجد را از کنترل سنی‌ها خارج و به شیعه‌ها تحویل دهد، ما مقاومت کردیم و من در این ماجرا از طرف نیروهای آمریکایی بازداشت شدم.

۲۵ روز در فرودگاه بغداد در یک سلول انفرادی که عبارت از یک توالت قدیمی بود نگهداری شدم و جیره غذایی روزانه‌ام فقط یک بیسکویت بود.

بعد از آن ۶ ماه در زندان ابوغریب بودم و سپس به بوکا انتقال داده شدم .

این زندانی سابق درباره رابطه‌ی شیعه‌ها و سنی‌ها در داخل زندان می‌گوید: تا سال ۲۰۰۵ زندانیان شیعه و سنی با هم رابطه خوبی داشتند، اما بعد از آن روابط پیروان این دو مذهب تا آن اندازه تیره شد که اگر کسی از آنان در بندهای پیروان طرف مقابل جای داده می‌شد حتماً او را به قتل می‌رساندند. به ویژه گروه (تکفیری‌ها) در اشاعه نفرت مذهبی کوشش بسیار می‌نمودند، از آن پس به ناچار محل نگهداری پیروان این دو مذهب را از هم تفکیک نمودند.

درگیری‌های دامنه‌دار و قتل‌های داخل زندان‌ها، به ویژه در زندان بوکا مراکز و نهادهای اطلاعاتی و مسئولین زندان‌ها را حیرت زده نموده است .

زندانی سابق بوکا در این باره می‌گوید " هنگامی که بلوک ۲ زندان بوکا مورد بازرسی سربازان آمریکایی قرار گرفت، بیش از ۱۵۰ شمشیر و قمه و چاقوی بزرگ کشف گردید که از طرف تکفیری‌های امارت اسلامی، مورد استفاده قرار می‌گرفت.

بعدها آمریکایی‌ها در داخل زندان نمایشگاهی از این آلات برپا کردند .

در جواب این سوال که این شمشیرها و قمه‌ها چگونه به داخل زندان انتقال داده می‌شد؟

وی اظهار داشت: از آهن‌های بکار رفته در کابین‌ها (قفس‌ها) و کاندیشن‌ها و پایه کولرها ساخته شده بودند. تکه آهن‌ها را آنقدر به سیمان کف بندها می‌مالیدند تا حسابی برنده شود .

این زندانی سابق درباره چگونگی انجام اعمال خشونت آمیز بر علیه زندانیان می‌گوید: در هر بلوک داخل زندان ، امیر و هیئت فتوا و عده‌ای مجاهد وجود دارد که اغلب تحت نظر عرب‌های غیر عراقی فعالیت می‌نمایند و بر ضد هر کسی فتوا بدهند، دچار انواع مجازات می‌شود. اجراء این مجازات‌ها مخفیانه انجام می‌گیرد.

آنها شبکه اطلاع رسانی بسیار فعالی دارند و برای انتقال دستورات و اوامر خویش به بلوک‌ها و کابین‌های دیگر، از تیر کمان و فلاخن استفاده می‌کنند. همچنین از ساعات هواخوری و رفتن به درمانگاه نیز سود می‌برند .

تا چند سال پیش یک هیئت ۶۰ نفره بر سرتاسر کمپ، که بیش از ۲۳۰۰۰ (بیست و سه هزار) زندانی در آن نگهداری می‌شود، مسلط بودند.

آن ۶۰ نفر خود را (عصابه) می‌نامیدند و شهادت طلب بودند و هراسی از عواقب کارهایشان نداشتند. آمریکایی‌ها هم اقدامات آنها را نادیده می‌گرفتند و به صورت جدی مانع آنها نمی‌شدند .

این زندانی سابق می‌گوید: به نظر من زندان بوکا برای آمریکایی‌ها یک آزمایشگاه انسانی است و به صورت کاملاً هدفمندی اداره می‌شود. به همین دلیل (با موافقت ضمنی و در مقابل چشمان آنان) نخستین هسته‌های تشکیلات امارات اسلامی و تکفیری‌ها در این زندان شکل گرفتند و بعدها که رهبران‌شان از زندان آزاد گردیدند، به بیرون انتقال داده شدند .

بسیاری از کسانی که چگونگی تشکیل و گسترش گروه‌های اسلامی را مورد مطالعه قرار داده‌اند، بر این باورند که آمریکا با همکاری سرویس‌های اطلاعاتی بریتانیا و اسرائیل و ایران و برخی کشورهای اروپایی، در اشاعه برداشت‌های تندروانه و تروریستی از اسلام سهیم بوده و به تقویت گروه‌های اسلامی تندرو یاری رسانده است. زیرا حضور این گروه‌ها و اعمال خرابکارانه‌اشان بهانه خوبی است برای ادامه حضور نیروهای مسلح بیگانه در منطقه و صرف بودجه‌های کلان نظامی .

درباره اعضاء گروه تکفیری‌ها در زندان بوکا، زندانی سابق می‌گوید :

جوانان، پلیس و نظامیان بعثی، اعضاء گارد ریاست جمهوری سابق عراق، روستائیان و بادیه نشینان اکثریت اعضاء تکفیریها را تشکیل می دادند .

وی در خصوص کشتن و نقص عضو کردن زندانیان از طرف گروه تکفیریها می گوید: دهها نفر را دیدم که در حملات شبانه تکفیریها نقص عضو یا کشته شدند.

(حامد برقکار) که اهل فلوجه بود و در آن شهر همهی مردم می شناختندش، هر چند مدتی با آنها همکاری می کرد، اما یک شب مورد حمله قرار گرفت و به قتل رسید .

گاهی با آن شمشیر و قمه های دست ساز کسی را چنان تکه تکه می کردند که بازشناختنش ناممکن می شد. یکی از افسران زندان با مشاهده یکی از این مقتولین در گزارش خود نوشته بود، انگار یک شیر درنده گرسنه تکه تکه اش کرده است .

من در مدت بازداشتم در بوکا دهها نفر را دیدم که یک چشمش را درآورده بودند.

یک نفر را کشتند که دو ماه بعد آمریکاییها به قتل او پی بردند، چون از چندجا سیمهای حفاظ زندان را سوراخ کرده بودند و نگهبانان زندان تصور می کردند مقتول گریخته است .

زندانی سابق در پاسخ این سوال که واکنش آمریکاییها در اینگونه موارد چگونه بود و چکار می کردند، گفت: بعد از این که یک نفر را در بلوک ۱۰ به قتل رساندند همهی زندانیان به مدت ۳ روز از کشیدن سیگار و یک هفته از خوردن چایی محروم شدند، همین و بس .

به همین خاطر این زندانی سابق روی این نکته تاکید می کند که کمپ بوکا محلی است برای پراکتیزه کردن و اشاعه افکار تندروانه اسلامی و رضایت خاطر ناگفته آمریکایی ها را در این مورد می توان مشاهده کرد .

وی می گوید: گروه تکفیری ها در زندان بوکا تشکیلات بسیار منسجم و قدرتمندی دارند که شامل سه هیئت (اللجنه اشرفیه) که فتاوی حلال و حرام و مجازات ها و پاسخ به شبهات را بر عهده دارد و از چند نفر تشکیل شده است .

(اللجنه المالیه) که امور مالی و درآمدهای ویژه را تامین می کند (اللجنه الفکریه) که هیئت ویژه اجراء شرع و دستورات هیئت اول است. این هیئت ها در همه ی بخش های زندان وجود داشتند و مخفیانه فعالیت می کردند .

در زندان بوکا، نوجوانانی را دیدم که از مبالغ ۲۰۰۰۰۰۰ دلار صحبت می کردند و چنان مبالغ هنگفتی از پول نقد دست به دست می شد که به خواب و خیال می مانست . جوانانی حکم کشتن پیرمرد و آدم های بسیار مومن و نمازخوان را صادر می نمودند که انسان نسبت به همه چیز دچار شک و تردید می شد .

اسم کامل رهبران و اعضاء برجسته تکفیری ها را کسی نمی دانست و همه آنان با القاب و کنیه خوانده می شدند. مانند (ابومصطفی) که یک کرد اهل اربیل بود، (ابوهاجر) نیز کرد بود و لهجه اش به اهالی سلیمانیه نزدیک بود .

(اسامه) یکی از رهبران بسیار خشن تکفیری ها اهل کرکوک بود. همچنین (ابوهریره) که احتمالاً اهل هلبچه بود و به هنگام بازگشت از ایران در نزدیکی شهرک پنجوبین دستگیر شده بود و ...

هنگام اجراء احكام هيئت فتوا، چندين نفر به اشتباه به قتل رسيده يا بدون هيچ خطايي دست و پايشان قطع گرديد و چشمشان از كاسه بيرون آورده شد. رهبران تكفيری ها در اين گونه موارد تنها می گفتند « برای یکی از برادران مجاهدتان دعای خیر بکنید که به اشتباه یک وظیفه شرعی را به انجام رسانده است. بلکه خدا او را ببخشد » .

• زندانی سابق بوکا در تاریخ ۲۰۰۷/۱۰/۱۳ مورد عفو قرار گرفته و اکنون در شهر سلیمانیه کردستان عراق به سر می برد .

منبع: دو هفته نامه Lvin شماره ۶۶

برگرفته از سایت توسعه و فرهنگ

02052008

www.ayenda.org